

مهاجرت سینما

بازگشت به سرچشمه‌های سینمای ایران در عصر پهلوی، یعنی دهه ۴۰ تا ۵۰ میلادی، میسر نمی‌شود. در آن زمان، سینما ایران در وضعیت ناامیدانه‌ای قرار داشت. این دوره، عصری از انحطاط و ضعف بود که در آن سینمای ایران، به دلیل فقدان سرمایه‌های لازم، توانایی تولید آثار سینمایی با کیفیت را از دست داده بود. در این دوران، سینمای ایران، به دلیل فقدان سرمایه‌های لازم، توانایی تولید آثار سینمایی با کیفیت را از دست داده بود.

در این دوران، سینمای ایران، به دلیل فقدان سرمایه‌های لازم، توانایی تولید آثار سینمایی با کیفیت را از دست داده بود. در این دوران، سینمای ایران، به دلیل فقدان سرمایه‌های لازم، توانایی تولید آثار سینمایی با کیفیت را از دست داده بود. در این دوران، سینمای ایران، به دلیل فقدان سرمایه‌های لازم، توانایی تولید آثار سینمایی با کیفیت را از دست داده بود. در این دوران، سینمای ایران، به دلیل فقدان سرمایه‌های لازم، توانایی تولید آثار سینمایی با کیفیت را از دست داده بود.



سینمای جهان

به همت: حامد مظفری
بنا همکاری: مهسا پوربختیار و نادیا ازگالوند

سینماگران ایرانی از نگاه هالیوودی‌ها!

تویی که نمی‌شناختمت ...

مهسا پوربختیار

عیار بالای ایرانیان

از دهه‌ی ۲۰ که همه از سبک و سلیقه‌ی «ارنست لوییچ» مهاجر در سینمای آمریکا سخن می‌گفتند، از همان دورانی که «مایکل کورتیز» و «ویکتور شوستروم» و به دنبال آن‌ها «فریتس لانگ»، «افولس»، «داگلاس سیرکف» و «فرد زینه‌مان» پا به کارخانه‌ی رؤیاسازی هالیوود گذاشتند و سال‌ها بعد از آن یعنی پس از تأثیرات موج نوی سینمایی، سینمای آمریکا همواره نیاز غیرقابل انکاری به حضور و فعالیت خارجی‌ها داشته تا به واسطه‌ی حضورشان سینماتوگرافی متفاوت و برتر را خلق کند و اکنون زمان آن رسیده تا مدعی شویم دیگر نوبت آسیایی‌هاست که در هالیوود به اثبات خود بپردازند و طبیعتاً در این مورد ایرانی‌ها سهم خودشان را دارند! از «داریوش خنجی» و تصاویر و قاب‌های بی‌بدیل او گرفته تا نقش‌آفرینی متفاوت و ستودنی «همایون ارشادی» در فیلم «بادبادک‌باز». حالا دیگر تصور هر کسی به جای ارشادی محال است. اگر جدای بررسی‌ها و ارزش‌گذاری‌های متنی به مفهوم «صنعت سینما» دقیق شویم، حضور ایرانی‌ها در این صنعت عظیم و بی‌همتا

بی‌شبهت با کارمند ناسا بودن یا دکتر و متخصص فلان بیمارستان بودن نیست، اما طبیعی‌ست که جنس و تأثیرگذاری کار متفاوت است. از طرفی هم باید قبول کرد قرار گرفتن این افراد مستعد و بی‌همتا در چنین موقعیت‌هایی کاملاً طبیعی است. سینمای هالیوود به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین قطب سینمای جهان این حق را دارد تا بهترین‌ها را انتخاب کند، چه در زمانی که «بچه‌های آسمان» را نامزد اسکار کرد و چه حالا که عیار بالای بازیگران ایرانی دستش آمده است. بی‌شک و از این پس، نقش‌آفرینان ایرانی وارد مرحله‌ی تازه‌یی از فعالیت‌های سینمایی خود خواهند شد. منتقدان و متفکران سینمای غرب هم از «راجر ابرت» گرفته تا «رزنایم» به نوعی سعی کرده‌اند ارزش‌های سینمای ایران را به دیگران معرفی و گوشزد کنند. می‌ماند بالا رفتن سطح کیفی سینمای خودمان که در کنار یک حمایت حساب‌شده می‌تواند این نوع تأثیرگذاری را چند برابر کند و این بار به شکلی دیگر ارزش‌های ملی را به نمایش بگذارد! فراموش نکنیم تا حمایت‌های داخلی شکلی منسجم به خود

ایده‌پرداز و بااستعداد

«مل جرارد گیسون» مشهور به «مل گیسون» بازیگر و کارگردان آمریکایی است که بیش از همه به خاطر ساخت درام «مصایب مسیح» شهرت دارد. این هنرمند آمریکایی در ساختن «اپوکالیپتو» از یک فیلمنامه‌نویس ایرانی به نام «فرهاد صفی‌نیا» استفاده کرد. در زمان اکران این فیلم اگرچه بسیاری از منتقدان، خشونت دلهره‌آور موجود در فیلم را عنصری تکراری قلمداد کردند اما در عین حال از پرداخت دقیق فیلمنامه‌ی این اثر نیز به نیکی یاد کردند. گیسون در همان زمان در معدود مصاحبه‌های مطبوعاتی‌اش همواره به نقش سازنده‌ی صفی‌نیا در تدوین فیلمنامه اشاره کرده و از این سخن گفته بود که گویی این پسر ایرانی به جای یک ذهن، در آن واحد از دو ذهن فعال و منعطف بهره می‌برد. بخشی از گفته‌های گیسون که مرتبط با صفی‌نیاست را در زیر می‌خوانید.

فیلمنامه‌ی اپوکالیپتو بسیار جذاب و مخاطب‌پسند نوشته شده است؛ این همه جذابیت محصول ذهن خودتان بوده یا بیش‌تر، همکاران در این زمینه به شما یاری رساندند؟ همان‌طور که می‌دانید در نگارش فیلمنامه‌ی این فیلم یک همکار ایرانی داشتم؛ پسر جوانی به نام فرهاد که هرچند در ابتدا نسبت به قابلیت‌هایش تردید داشتم، اما آن‌قدر خوب کار کرد که حتی در زمان فیلمبرداری و حین ایجاد تغییرات سر صحنه هم با او مشورت می‌کردم.





تردید اولیه‌تان چه دلیلی داشت؟

راستش را بخواهید من روی فیلمنامه‌های کارهایم حساسیت بسیاری دارم و به همین علت است که مدت زمان زیادی را صرف کار روی فیلمنامه می‌کنم و در اغلب موارد هم از این روش نتیجه‌ی مثبت گرفته‌ام. شما محال است بتوانید در کارهایی که کارگردانی کرده‌ام حتی یک سکانس زاید پیدا کنید و این ناشی از توجه وافر من به فیلمنامه‌هایی‌ست که برای کار انتخاب می‌کنم. وقتی که می‌خواستم از فرهاد استفاده کنم، نمی‌دانستم که او هم به اندازه‌ی من نکته‌سنج و سختگیر است یا نه. علت اساسی تردید من همین موضوع بود.

گفتید که در حین کار هم از فرهاد مشورت می‌گرفتید. آیا این مسئله رخ داد که صرفاً به خاطر نظر او فیلمنامه را تغییر دهید؟

بله. او انسان ایده‌پرداز است و ویژگی اصلی چنین انسان‌هایی آن است که در ربعی از ساعت یک ایده‌ی نوین به ذهنشان خطور می‌کند که حتی ممکن است با ایده‌ی قبلی‌شان تفاوت داشته باشد. من هم تلاش کردم از این ویژگی بیش‌ترین بهره را ببرم.

فرا تر از حد انتظار

«مارک فورستر» سازنده‌ی فیلم‌هایی نظیر «مجلس رقص هیولا» و «پیدا کردن سرزمین رؤیایی» کارگردانی است که به خاطر ساخت «بادبادک‌باز» شهرتی جهانی یافت. این فیلم که فیلمنامه‌ی آن اقتباسی از رمان پرفروش «خالد حسینی» نویسنده‌ی افغان بود برای ایرانیان هم فیلم مطرحی به شمار آمد؛ چه آن که یکی از شخصیت‌های فیلم با عنوان «بابا» توسط «همایون ارشادی» بازیگر توانای ایرانی ایفا شد. مارک فورستر به خاطر خصوصیات اخلاقی خاصی که دارد هیچ‌گاه به تفصیل در مورد توانایی‌های همکارانش سخن نمی‌گوید و همین، کار را برای دانستن نظر صریحش در مورد ارشادی مشکل می‌کند. آن چه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگویی کوتاه است با فورستر که در آن درباره‌ی شرایط حاکم بر فیلمبرداری بادبادک‌باز سخن گفته و در قسمتی هم به تعریف از همایون ارشادی پرداخته است.

شرایط کار در بادبادک‌باز چه طور بود؟

ساخت بادبادک‌باز، چه از نظر فیزیکی و چه از نظر احساسی، کاری مشکل بود و این مسئله‌ی بود که از جانب تک‌تک عوامل حس می‌شد. فیلمبرداری در یکی از مناطق بسیار دورافتاده‌ی چین انجام می‌شد و همه‌ی صحبت‌ها باید توسط مترجم‌ها انتقال می‌یافت، چرا که با چهار زبان - انگلیسی، چینی و دو زبان رایج در افغانستان (فارسی دری و کمی هم پشتو) - سر و کار داشتیم. تنها همین مشکل

ارتباطی را در نظر بگیرید تا بفهمید چه کشیدیم!

از نظر امکانات رفاهی وضعیت چه طور بود؟ آن قدر از دنیای متمدن دور بودیم که مواد اولیه و حتی غذا همیشه با تأخیر به دستمان می‌رسید. در ارتفاع خیلی بالا کار می‌کردیم و شب‌های بسیار سرد را در یورت (چادر مغولی) می‌خوابیدیم. در کل تجربه‌ی خسته‌کننده بود.

... و چه چیزی باعث شد که این همه سختی را تحمل کنید؟

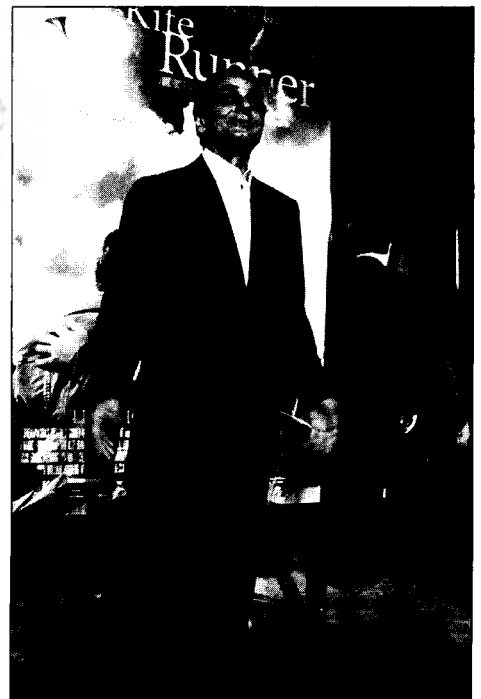
دوست داشتم کاری متفاوت انجام دهم و خوشبختانه از بازتاب‌های این پروژه هم مشخص است که به هدفم رسیدم. ببینید، این فیلم پروژه‌ی کاملاً بین‌المللی بود و در کنار من افرادی از ملیت‌های گوناگون حضور داشتند، اما هیچ‌گاه ندیدم کوچک‌ترین تصادمی بین عوامل کار به وجود آید. این خود عین موفقیت است.

جالب این جاست که در این فیلم از دو بازیگر ایرانی‌الصل هم استفاده کردید!

بله، هر دو ایرانی‌یی که با ما همکاری کردند بازیگران توانایی بودند، به‌خصوص همایون ارشادی که واقعاً خیلی بهتر از آن چه که از او انتظار داشتم ظاهر شد!

از لحن حرف زدن‌تان چنین برمی‌آید که گمان نمی‌کردید ارشادی بازیگر توانایی باشد؟!

ببینید، من ایرانیان زیادی را می‌شناسم که در پشت‌صحنه‌ی عظیم‌ترین پروژه‌های هالیوودی





فعالیت دارند، اما بازیگری با کار کردن در پشت‌صحنه بسیار تفاوت دارد. من نیاز به بازیگری داشتم که از نظر ظاهری درونگرا باشد و برای یافتن نقشش تنها به فیلمنامه بسنده نکرده و خودش هم به دنبال رسیدن به ایده‌آل کارگردان باشد. فکر می‌کنم از این نظر، ارشادی نمره‌ی قبولی می‌گیرد!

مستقل و توانمند

«وین دیزل» با نام اصلی «مارک سینکلر وینسنت» بازیگر تنومند و جوان سینمای امروز هالیوود که سابقه‌ی بازی در فیلم‌هایی مانند «مرا گناهکار بدان»، «صلح‌جو»، «مرد جداافتاده» و «بابل پس از میلاد مسیح» را در کارنامه‌ی هنری خود دارد، بهار امسال با نقش‌آفرینی در قسمت تازه‌ی از مجموعه فیلم‌های «سریع و خشمگین» به کارگردانی «جاستین لین» تایوانی‌تبار در کانون توجهات مخاطبان قرار گرفت. این مسئله سبب‌ساز آن شد که خبرنگاران نشریات مختلف به سراغش رفته و گفت‌وگوهای بسیاری را با او انجام دهند. عمده‌ی این گفت‌وگوها در مورد قسمت چهارم سریع و خشمگین بود، یعنی فیلمی که مدیریت فیلمبرداری آن به عهده‌ی «امیر مگری» تکنیسین برجسته‌ی ایرانی بود. قسمتی از یکی از گفت‌وگوهای دیزل را که در آن درباره‌ی فضای پشت‌صحنه‌ی این فیلم سخن گفته، خدمت‌تان آرایه می‌دهیم.

کار با جاستین لین که نباید زیاد برایتان سخت بوده باشد؟

چرا این‌طور فکر می‌کنید؟! قرار گرفتن در برابر دوربین همواره سخت است. هر چه قدر هم که تجربیات کاری انسان بالاتر می‌رود به دلیل افزایش ضریب حساسیت نسبت به نتیجه‌ی نهایی کار، این موضوع سخت‌تر جلوه می‌کند.

... به هر حال شما در قسمت قبلی سریع و خشمگین هم با لین همکاری داشتید.

در هر صورت وقتی برای انجام کاری انتخاب می‌شوی باید برای انتخاب‌کنندگان احترام قایل شوی و این احترام متقابل محقق نمی‌شود مگر آن که تمام تلاش خود را در جهت انجام کار به بهترین صورت به کار گیری!

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های فیلم شما، کیفیت تصویری بالای صحنه‌های تعقیب و گریز است ...

همین‌طور است. اصلاً من می‌گویم این مسئله مهم‌ترین بعد قسمت جدید سریع و خشمگین است. تهیه‌کنندگان این کار برای فیلمبرداری صحنه‌های مختلف و همچنین طراحی جلوه‌های ویژه، متحمل هزینه‌های بسیاری شدند. ... شنیده‌ام که فیلمبرداری این فیلم با یک گروه چهل‌نفره انجام شده است؟! همین‌طور است. حدود چهل تکنیسین تحت نظارت امیر مگری در گروه فیلمبرداری این کار حضور داشتند و شبانه‌روز فعالیت می‌کردند تا به نتیجه‌ی ایده‌آل کارگردان برسند.

مدیر فیلمبرداری این کار، مگری بود؛ می‌خواهم بدانم که آیا او در حیطه‌ی کاری‌اش استقلال عمل داشت یا مطابق با خواسته‌های دیگر عوامل، فعالیت می‌کرد؟

مگری در موارد مربوط به حیطه‌ی کاری‌اش شخصیتی بسیار جاه‌طلب دارد و البته همواره از این موضوع هم سخن می‌گوید که مطابق نظر من کار کنید تا به بهترین نتیجه برسید. نتیجه‌ی کار هم مشخص می‌سازد که گفته‌هایش چندان بیراه نیست!

... یعنی او حتی با جاستین لین هم تعامل نداشت؟

چرا! ارتباط میان آن دو واقعاً باعث تعجب همگان شده بود، چون مگری تنها در مقابل جاستین لین از خود انعطاف نشان می‌داد. البته من به او حق می‌دهم که این‌طور باشد، چرا که هیچ کس من بازیگر را به خاطر فیلمبرداری

ضعیف یک کار مؤاخذه نمی‌کند اما کارگردان به خاطر کوچک‌ترین ایرادی محاکمه خواهد شد.

بدون ذره‌ی استرس

«ریدلی اسکاوت» کارگردان انگلیسی را به عنوان کهنه‌کار همه‌ی گونه‌های سینمایی می‌شناسند. او سازنده‌ی فیلم‌هایی چون «تلما و لوییز»، «گلادیاتور»، «هاننابل»، «سقوط بلک هاک»، «سرباز جین»، «یک سال خوب» و «گنگستر آمریکایی» است.

سال گذشته از او که برای فیلم گلادیاتور برنده‌ی جایزه‌ی اسکار شده بود، فیلمی با عنوان «پیکره‌ی دورویی‌ها» به نمایش درآمد که به جز «راسل کرو» و «لئوناردو دی‌کاپریو» از یک بازیگر زن ایرانی به نام «گلشیفته فراهانی» هم سود می‌برد.

این فیلم اگرچه حواشی بسیاری را برای گلشیفته رقم زد، اما به جهانیان این امر را ثابت کرد که ایرانیان توانایی آن را دارند که بتوانند حتی به عنوان بازیگر در بهترین فیلم‌های هالیوودی نقش‌آفرینی کنند.

کار با بازیگران غیرانگلیسی‌زبان سخت نبود؟ اگر منظورتان بازیگر ایرانی این کار است که باید بگویم او خیلی روان‌تر از حد تصور به انگلیسی حرف می‌زد و نه تنها دیالوگ‌هایش را به بهترین شکل بیان می‌کرد، بلکه آن قدر توانایی زبانی داشت که بتواند نظرات خود پیرامون نقشش را هم به من منتقل کند ■